

پرونده ویژه «فرهنگستان» در آستانه سی و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

# امام عقلانیت انقلابی

عباس سلیمی نمین در گفت و گوی تفصیلی با «فرهنگستان»:

## امام برای کنترل صاحبان قدرت مردم را رشد می داد

۷، ۲۰

مبانی نظری دانشجویان خط امامی چگونه شکل گرفت؟

## دانشجوی سیاسی به روایت امام (ره)

۴

بررسی تاثیر رهبری امام خمینی (ره) بر روند تاریخی سینمای ایران

## روح تعهد در کالبد سینما

۱۳، ۱۲

مولفه های اصلی منظومه فکری امام (ره)

## مکتب جماران

۱۵، ۱۴

یادداشت - ۱

عصای کلیم الله در دست روح الله

## مبانی خیزش مردمی در اندیشه امام (ره)

می دهد تا زمانی که رسالت الهی متوجه ایشان نشده است، سخنی از قیام به میان نمی آورد. آیات کریمه ۹ تا ۲۳ سوره طه بیان آغاز نبوت موسی (ع) است اما در این آیات سخنی از رسالت در میان نیست. آن گاه در آیه ۲۴ «انهب الی فرعون ائنه طقی» رسالت موسی (ع) تعیین گردیده و او مأمور می شود تا نزد فرعون رفته و با طغیان او مبارزه کند. اینجاست که موسی (ع) بی درنگ ابزار قیام برای خدا را می طلبد. او از خداوند شرح صدر، گشایش لسان و یآوری امین طلب می کند. نگاهی به دیگر انبیا و اولیای الهی نشان می دهد، هیچ یک از آنها بدون تکلیف الهی قیام نکرده اند. نخستین پیام سیاسی مضبوط از امام خمینی رحمه الله علیه، به ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ بازمی گردد. امام در بخشی از این پیام پرده از تکلیف الهی برای قیام برمی دارد؛ «قیام لله است که موسای کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تاج و تخت آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صعق و صحو کشانند. قیام لله است که خاتم النبیین را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بت ها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام «قات قوسین» و اذنی (نجم/۹) رساند (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱). هر چند نخستین پیام امام در زمان حیات آیت الله بروجردی صادر شده است، اما نخستین کنش سیاسی امام در سال ۱۳۴۱ و پس از ارتحال آیت الله بروجردی شکل می گیرد. با این حال، همان پیام نخست نیز حاوی این مطلب مهم است که قیام برای خدا مسئولیتی است که متوجه همه روحانیین، علما، گویندگان، دینداران، حق پرستان، شرافتمندان و وطن خواهان است. در این پیام، ایشان از تکلیف شخصی خود سخنی به میان نمی آورند و بر اساس ادراک خود از مقتضیات آن زمان، تنها هشدار می دهند که اکنون زمان قیام است و تأخیر در انجام این تکلیف خسارت زیادی به بار خواهد آورد (صحیفه امام، ج ۱، صص ۲۱-۲۴). از آنجا که امام تکلیف شخصی برای خود در زمان حیات آیت الله بروجردی (ره) احساس نمی کرد، این پیام از سوی ایشان دنبال نمی شود. به نظر می رسد آنچه تکلیف آن روز ایشان بوده است، فراخوان به قیام بوده است و نه رهبری قیام؛ یعنی فقط ادای تکلیف.

دهم فروردین ماه ۱۳۴۰ آیت الله بروجردی دعوت حق را لبیک می گوید و شاه برای به حاشیه راندن حوزه علمیه قم، پیام تسلیت را برای آیت الله محسن حکیم (ره) در نجف می فرستد. غیر از آیت الله حکیم، آیات سید عبد الهادی شیرازی، شاهرودی، بهاء الدینی، شرعتمداری و گلپایگانی نیز در مظان جاننشینی آیت الله بروجردی بوده اند. در این میان جز چندی از شاگردان امام، کسی به دنبال مرجعیت ایشان نمی رود که از علل مهم این امر استکشاف شخص

امام (ره) از پذیرش مرجعیت است. اما اصرار شاگردان ایشان در کنار ارتحال آیات شیرازی و شاهرودی در فاصله حدود یک سال از ارتحال آیت الله بروجردی، توجه عموم را کم کم به مرجعیت امام سوق می دهد. لذا از اواسط سال ۱۳۴۱ کم کم نام «حاج آقا روح الله» به عنوان یکی از مراجع شیعه در جامعه آوازه یافته و تلاش حکومت پهلوی در به حاشیه راندن حوزه علمیه قم بی نتیجه می ماند. نگاهی به صحیفه امام نشان می دهد نخستین کنش سیاسی امام در مقام مرجعیت در ۱۷ مهر ۱۳۴۱ رخ می دهد. امام (ره) در تلگرافی به شخص شاه به عدم شریعت اسلام در رأی دهندگان و منتخبین در لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی انتقاد کرده و محترمانه درخواست می کند تا مطالب مخالف دینت و شرع مقدس از برنامه های دولتی و حزبی حذف گردد (صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۸). این احساس تکلیف الهی در شخص امام، منطبق بر جایگاه سیاسی و دینی ایشان در آن روزگار به عنوان یکی از مراجع دینی است. یک ماه بعد از تلگراف به شاه و تعلل دولت در اجرای توصیه ایشان، در سخنانی در منزل خود در جمع عده ای از بازاریان تهران، کلام ایشان صریح تر شده و می گویند: «اگر تمام دنیا بگوید باید بشود، من یکی می گویم نباید بشود. نه وظیفه من تنهاست، بلکه وظیفه شاهنشاه و همه افراد این مملکت است که بگویند این کار صلاح نیست» (صحیفه امام، ج ۱، صص ۸۲-۸۳). از اینجا به بعد تحركات امام جدی تر شده و تأکید بر تکلیف بودن مبارزه برای ایشان در بیانات و نامه های شان صریح تر و پرتکرار می گردد. در روزهای پایانی سال ۱۳۴۱، امام با اعلام عزای عمومی در نوروز ۴۲ به خاطر کشتار مردم در دوم و سوم بهمن در تهران و قم، ضمن بیاناتی در مسجد اعظم قم در بیان تکلیف الهی خود می فرماید: «من به حکم اسلام که ما دستور جهاد و مقابله داده است، در برابر خیانت به اسلام، دست روی دست نمی گذارم و ساکت نمی نشینم. تا من هستم نمی گذارم قوانین مخالف اسلام تصویب و اجرا شود. تا من هستم نمی گذارم دستگاه جبار استقلال این ملت را بر باد دهد» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۲).

### طاغوت

قرآن کریم در تبیین طاغوت آیات فراوانی دارد و مصادیق مختلفی را به عنوان طاغوت در دوره های گوناگون معرفی کرده است. مصادیقی که شاید از حیث مقتضیات زمانی و مکانی باهم متفاوت باشند، اما از حیث نظام معرفتی و ارزشی مشابهت های بسیاری باهم دارند. بارزترین سیمای طاغوت در قرآن کریم که آیات متعددی نیز بدان اختصاص داده شده است، فرعون زمان موسی (ع) است (طه/۳۴ و ۴۳).

ادامه در صفحه ۸

یادداشت - ۲

## مشارکت در انتخابات و آدرس غلط اصلاح طلبان



مهدی بولاک

تحلیلگر سیاسی

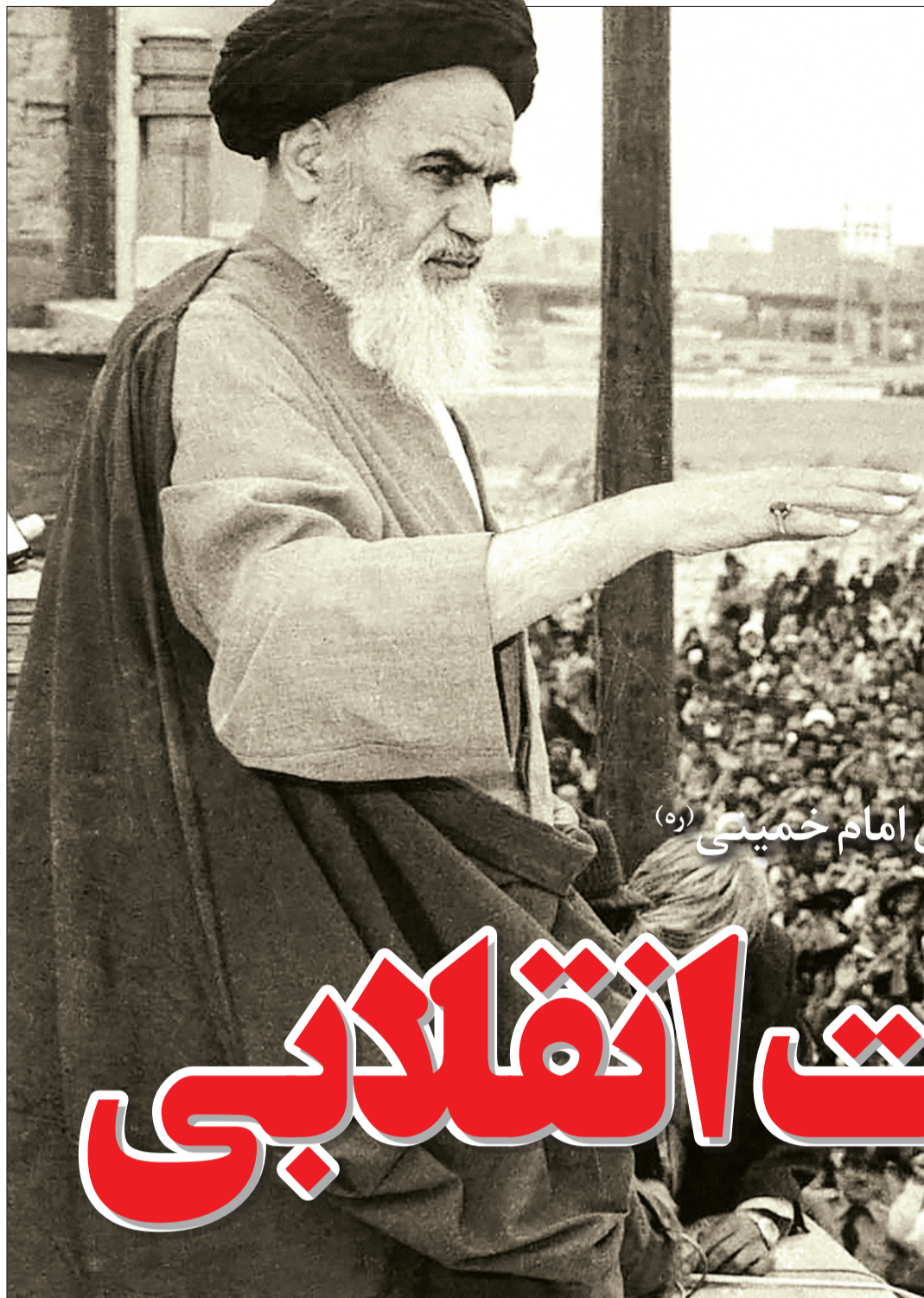
آغاز به کار مجلس یازدهم، مانند همه ادوار مجلس، با واکنش های مختلف جریانات و گروه های سیاسی و رسانه ها و مطبوعات همراه بوده است. در میان این اظهار نظر ها و واکنش ها، برخی چهره های شاخص اصلاح طلب، تمرکز خود را بر پشتوانه مردمی و میزان آرای نمایندگان منتخب مجلس یازدهم قرار داده اند.

چهره ها و فعالان سیاسی مذکور، با اشاره به میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس یازدهم، کاهش آرای منتخبان این دوره مجلس نسبت به دوره قبل را، چالش مهم پیش روی مجلس یازدهم دانسته و درصدد القای بحران مشروعیت برای مجلس شورای اسلامی و به صورت ویژه ریاست آن برآمده اند. صرف نظر از اینکه میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس یازدهم و آرای منتخبان آن، چقدر منطبق بر استانداردهای انتخابات در نظام های دموکراتیک است و همچنین مقایسه میزان مشارکت مردم کشورمان در انتخابات پارلمانی با کشورهای به اصطلاح توسعه یافته و در حال توسعه، موارد زیر در رابطه با اظهارات فعالان اصلاح طلب، قابل تامل است:

۱- بدیهی است که میزان مشارکت مردم در انتخابات تابعی است که مهم ترین متغیر آن عملکرد مسئولان در آن قوه یا نهاد است. به طور مشخص، مهم ترین سوالی که مردم برای رای دادن یا رای ندادن در انتخابات می پرسند این است که مجلس فعلی مجلس دهم- چه کار مثبت و اثرگذاری انجام داد و چقدر از مشکلات و آلام مردم کاست که حالا ما دوباره بباییم و به مجلس یازدهم رای بدهیم؟ پیام های متعددی در فضای مجازی منتشر شد که فردی که حائز بالاترین رای در تهران شد، در طول این چهار سال چند حرکت اثرگذار داشت؟ چند نطق پیش از دستور داشت؟ چند بار میان مردم آمد و پای حرف آنان نشست؟ جریان اصلاح طلب «تکرار» توانسته بود اکثریت مجلس را به دست آورد و همه کرسی های نمایندگی شهرهای بزرگ-به ویژه تهران- را به دست آورد چند طرح اقتصادی به مجلس ارائه داد و کدام گره را باز کرد؟ برخی فعالان و چهره های اصلاح طلب، بازم نعل وارونه می زنند و فرار رو به جلو می کنند. به جای آنکه بعد از چهار سال فرصت سوزی و چهار سال سیاسی کاری، پاسخگوی عملکرد خود و ضربه ای که به امید مردم و جوانان زدند باشند، طلبکارند و انگشت اتهام را به سمت نمایندگانی که هنوز عمر نمایندگی شان به یک هفته نمی رسد دراز کرده اند.

۲- بازخوانی تاریخی میزان مشارکت مردم در انتخابات های پس از انقلاب، به وضوح گویای آن است که همواره عملکرد اصلاح طلبان طوری بوده که در نهاد های منتخب مردم، منجر به کاهش مشارکت در انتخابات دور بعدی آن نهاد شده است.

نمونه مهم آن سیاسی کاری و فرصت سوزی اصلاح طلبان در دوره اول شورای شهر تهران است. انتخابات های دوره دوم شورای شهر



با مشارکت پایین و شکست کامل اصلاح طلبان همراه بود. نمونه بعدی آن مجلس ششم است که آنقدر آش شور شد که تحصن و استعفا ی نمایندگان در ماه های پایانی این مجلس، هیچ واکنشی در مردم به همراه نداشت و بازم مشارکت مردم نسبت به دوره قبلی انتخابات کاهش داشت. ۳- تجربه نشان داده اصلاح طلبان هر جا که پیش بینی شکست در انتخابات را دارند، به جای حضور در رقابت، میدان را ترک می کنند و زمین و قواعد بازی را زیر سوال می برند. بی دلیل نیست که یکی از چهره های شاخص اصلاح طلب در جریان مناظره های انتخاباتی سال ۸۸ به یکی از کاندیداهای مغلوب، پیشنهاد ترک میز مناظره را داده و گفته بود اگر حاضر نشوی و سه بر صفر ببازی، بهتر از آن است که حاضر باشی و در رقابت مغلوب شوی. آنان همین راهبرد را در انتخابات اخیر در پیش گرفتند. با مشخص شدن نتایج نظرسنجی های انتخاباتی در ماه های پایانی سال ۹۸ و به ویژه پس از عملکرد ضعیف مجلس و دولت در ماجرای گران شدن بنزین، رهبران جریان اصلاح طلبی به جمع بندی نهایی رسیدند که شکست حتمی در انتظار این جریان است، لذا از همان ایام بر طبل ناامیدی کوبیدند و مستقیم و غیر مستقیم، هواداران شان را به ترک میدان انتخابات تشویق کردند تا از این رهگذر کاهش مشارکت مردم در انتخابات را به پای عدم حضور اصلاح طلبان در انتخابات بنویسند. حال آنکه به راحتی می توانستند در تمامی کشور لیست بدهند و کاندیداهایی را معرفی کنند که چالش احزاب صلاحیت نداشته باشند؛ همان کاری که با لیست گمنام «امید» در دوره دهم مجلس کردند. در آخر باید نشست و دید که راهبردهای آینده اصلاح طلبان در مواجهه با مجلس یازدهم چه خواهد بود؟ اگر روال به سیاق گذشته اصلاح طلبان باشد، سناریوهای آینده کاملاً قابل پیش بینی است. از یک سو باید رئیس مجلس یازدهم را که نماد و پرچمدار این مجلس است تا حد امکان تخریب و ترور شخصیت کرده و با طرح مسائل گوناگون حاشیه سازی کنند. از سوی دیگر، مطالبات از مجلس را آن قدر بالا ببرند که گویی صدر تا ذیل مسائل کشور در دست مجلس است و حالا این گوی و این میدان.

برخلاف مجلس و دولت های اصلاح طلب که به زعم ایشان هیچ کاره اند و دولت پنهان بر کشور حاکم است و باید اختیارات مجلس و دولت اصلاح طلب زیاد شود، مجلس اصولگرا دارای اختیارات کافی و حتی اختیارات فرا پارلمانی است و باید مسئولیت همه شرایط را برعهده بگیرد.

از نظر اصلاح طلبان، احتمالاً مجلس یازدهم جلوی فعالیت دولت را هم خواهد گرفت و چالش های سیاست خارجی بر روابط بین المللی دولت هم ریشه در عملکرد مجلس یازدهم خواهد داشت.

باید نشست و دید که چه کسی باید شمرسار باشد؟ آنها که هرگاه بر مسند قدرت و مسئولیت نشسته اند، حاصل عملکردشان مشارکت و دلخوری مردم بوده یا آنهايي که خود را وقف خدمت به مردم کرده اند؟